



# نوا در معلمی

رویا صدر

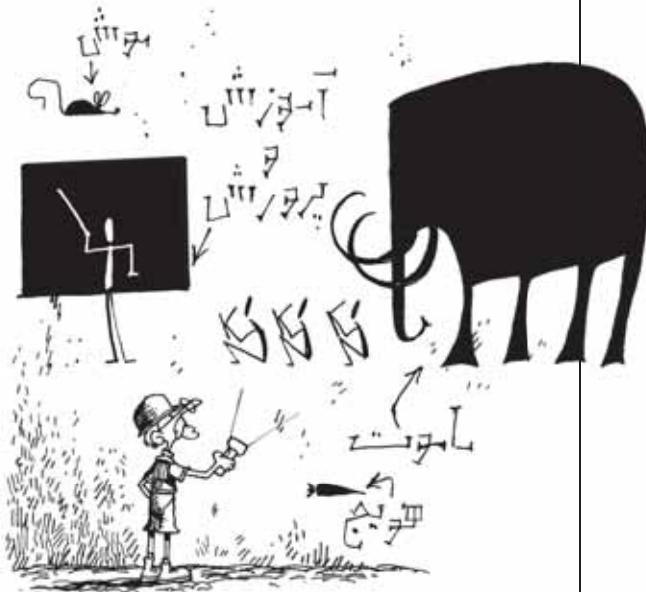
تصویرگر: سام سلاماسی

ابودردای مالمیرآبادی گفت: هر چیز که بسیار شود ارزان گردد  
مگر سابقه تدریس معلم که چون از حد بگذرد بر اوچ و قربش  
افزایند و دورش بگردند و به او تقدیرنامه دهند و در صدر بنشانندش  
در مراسم تودیع؛ تا بعد از مراسم بر نیمکت پارک تکیه زند و در  
کمال استغنا، سیر [آفاق] و انفس کند.

از همو مروری است: همه چیز عوض شود جز ساختار آموزش و پرورش  
که در عداد میراث فرهنگی بشر است و از عصر پارینه سنگی تاکنون  
همین بوده که هست؛ و لاجرم باید حفاظت شود سفت و سخت، تا  
از باد و باران و به روز شدن نیابد گزند...

معلمی را پرسیدند: از علم به چه پایه رسیدی؟ گفت: تا بدان  
پایه که از آن کمی گیرم و سنجاق کنم برای مستندسازی. از معلم  
دیگری همین پرسیدند گفت: چطور مگر؟ آیا برای طرح ارتقای  
رتبه خواهید؟

محصلی را پرسیدند: این علم از کجا یافته؟ گفت: کدام علم؟! و  
گفت: محض خیط نشدن. محصل دیگری را پرسیدند: باد در غیب  
انداخت و گفت: از شهریه میلیونی. گفتند تا سه نشود، لاجرم بازی  
نیز نشود. پس یقه محصل سوم را گرفتند که: این علم از کجا یافته؟  
گفت: اگر می خواهید به سبک رایج بگوییم که از معلم و مدرسه  
یافتم، زهی خیال باطل؛ که در مدرسه تدریس به شیوه عهد بوق  
است و من این علم را خود نزد خویشن، از فضای مجازی آموختم...  
برنامه به ناچار قطع شده و «گل او مد بهار اومد...» و مزقون شروع  
به نواختن نمود...





از دانش آموزی مروی است که: نظر در علم، تنها در روز کنید که شب دل در تلگرام است و در فیسبوک است و در اینستاگرام است و همه چیز در طیران است؛ اما روز در آشیان تعب و بیچارگی و درس و مدرسه ویلان و سرگردان... و... اعلم.

مشهدی قنبر حکیم گفت: دل دانا همچو مدرسه غیرانتفاعی [بگو غیردولتی!] است، روشن و دلیاز؛ دل جاهل همچون دیوار مدرسه روستایی، که با اندک نسیمی فرو ریزد و صاحب عله را ناکار کند. محصلی را گفتند: چرا تعظیم معلم بیش از پدر خود کنی؟ گفت: آخر پدرم را زیاد نمی بینم، وی گاه و بیگاه، سرکار است و دیر ترک به منزل آید.

مجالست با سه کس از بلاهای معلمی است: شاگردی که به برکت اینترنت مدام روز آمد، یا همان آپدیت، باشد و لاجرم از معلم در علم و تکنولوژی پیشی گیرد؛ استادی که معلمان را در کلاس‌های آموزش حین خدمت، متون عهد بوق را آموخت دهد و سرانجام معاون آموزشی که برنامه‌ریزی درسی‌اش مخل حیات و مخرب ذات باشد!

در خبر است که: هرگاه مدیری خواهد معلمی را معذب گرداند، پس اول چیزی که از او طلب کند، مستندسازی سفارشی آموزشی است.

از سقراط حکیم مروی است که: هدایت تحصیلی کنید به زور دگنک و توسری، که دانش آموز بی خود می کند بخواهد برود رشته‌ای که دوست دارد. تمت....